

با توجه به ترجمه کلمه «اقتصاد»، اقتصاد حقیقی یعنی نه افراط و نه تفریط، و این مهم انجام نمی‌پذیرد مگر اینکه انسان‌ها رابطه میان جسم و جان را کشف کرده باشند. آیا دیدگاه کتاب لغت درباره کلمه «اقتصاد» و «مقاومت» اجازه می‌دهد گفته شود اقتصاد از دین جداست، چرا که دین قدرتی است که تعادل میان جسم و جان را قرار نموده و می‌کند؟ مقاومت دارای دو شاخه می‌شود: مقاومت متداوم و مقاومت منقطع. مقاومت متداوم بدون پشتوانه دائمی و ابدی در اختیار انسان قرار نمی‌گیرد. این مقاومت باید با کسی در ارتباط باشد که او را فنا دربر نگیرد، اما مقاومت منقطع به مقاومتی گفته می‌شود که پشتوانه آن به کسی یا قدرتی است که پایان‌پذیر و در آغوش وصل و قطع فرود آمده باشد.

بعد از اینکه مشخص شد اقتصاد مقاومتی در لغت چه سمت و سویی دارد و از آن چه نتیجه‌ای می‌توان گرفت، این پرسش پیش می‌آید که شیطان چگونه از راه اقتصادی بر انسان مسلط می‌شود؟ شیطان برابر آیات شریفه **قرآن کریم** بر انسان سلطنت ندارد؛ بلکه سلطه شیطان در گرو استقبال از دعوت‌های او و دعوت نمودن از آن خبیث است. خداوند در سوره مبارکه حجر می‌فرماید: «قال رَبِّ پَمَا أُغْوِيَنِي لِأُزِيْنَ لَهْم فِی الْاَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَهُمْ اَجْمَعِيْنَ (۳۹) اِلَّا عِبَادَك مِنْهُمُ الْمُخْلِصِيْنَ (۴۰) قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيْم (۴۱) اِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ اِلَّا مَنْ اَتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِيْنَ (۴۲) وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ (۴۳)» شیطان گفت: «پروردگارا! چون مرا همراه

ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را، خدا فرمود: «این راه مستقیمی است که بر عهده من است و هرگز بر بندگانم تسلط نخواهی یافت؛ مگر افراد گمراهی که از تو پیروی می‌کنند؛ و دوزخ میعادگاه همه آنهاست. نفس حریص انسان از درون بر کثرت‌طلبی تحریک می‌کند و اعضا و جوارح انسان به دلیل محدودیت‌های حکیمانه الهی انسان را تحریم می‌نماید و در نهایت آن تحریک و این تحریم سبب می‌شود که از انواع و اقسام بیماری‌های کوتاه‌کننده عمر و فاسدکننده جسم و جان، استقبال کند. **حال چرا انسان خودش را اسیر شیطان می‌کند؟** به دلیل منافع و جاذبه‌های مادی که

# اقتصاد مقاومتی

## از نگاه دین

حجة الاسلام حسین درودی  
کارشناس رادیو اقتصاد

شیطان آنها را تعریف و تبلیغ می‌کند. شیطان نه بدون دعوت جایی می‌رود و نه با یکبار دعوت از خانه قلب کسی خارج می‌شود، مگر با ضرر و زیان‌رساندن‌های غیرقابل‌جبران. هم‌نشینی انسان با شیطان مساوی است با تخریب جسم و جان و اگر سؤال شود که چرا جسم انسان‌ها در هر عصری با انواع بیماری‌های مهلک همراه است، باید پاسخ داد، بدمصرفی انسان با اندیشه فاسد جسم و جان را به فساد می‌کشد.

وقتی که اندیشه شخص می‌گوید: زیاد خوردن عامل بسیار لذت‌بردن است و زیاد داشتن رفاه و راحتی می‌آورد، این نوع تفکر حضور شیطان در اندیشه انسان را گزینش می‌کند، و علت سقوط بشر در سیاهچال بیماری‌ها و شقاوت‌ها و محرومیت‌ها را بیان می‌نماید.

شیطان از جاده اندیشه، انسان را به بد و زیاد مصرف‌کردن تحریک می‌کند و محدودیت‌های مهندسی‌شده جسم بشر او را تحریم نموده و در نهایت جسم به علت عدم مقاومت فاسد می‌شود. یکی از مهم‌ترین عوامل بیماری‌ها (مانند چاقی‌های مضر، مرض قند، چربی زائد خون و...) از اندیشه شیطان سرچشمه می‌گیرد که بهره‌دهی جسم را به حداقل می‌رساند.

شیطان در حقیقت جان را ابتدا تخریب می‌کند، یعنی اندیشه انسان را از جاده صراط مستقیم - همچنانکه در آیه شریفه بیان شد - خارج نموده، به سروقت جسم رسیده و مقاومت جسمانی را از فعالیت ساقط می‌کند.

در تمام دنیا مقاومت بالا میزان قیمت‌گذاری ارزش‌هاست. در تمام جهان مقاومت در هر موجودی حرف اول را می‌زند؛ مانند: طلا در فلزات، درختان کوبیری در میان گیاهان و درختان، شتر در

میان حیوانات اهلی و...

چرا برخی از موجودات در جهان قیمت‌های منحصربه‌فرد دارند و یا ارزش‌های خاص را از آن خود نموده‌اند؟ به این سؤال پاسخ داده‌اند، وقتی به فهرست صفات و خصوصیات آنها مراجعه می‌کنیم مشاهده می‌شود که مقاومت در حالت‌ها و موقعیت‌های مختلف آنها را عزیز و خواستنی کرده است. در تمام دنیا مقاومت ترازوی تشکیل رشته‌های ورزشی است؛ یعنی هر فردی مقاومت بیشتری داشت، نفر اول است و سکوی ارزش را تصاحب می‌کند. در تمام جهان دانشمندان در هر رشته‌ای زمانی حرف اول و آخر را می‌زنند که مقاومت آنان در مقابل مجهولات عالم برترین باشد. در تمام جهان شخصیت‌های محبوب و رهبران مقبول کسانی هستند که در کارهایشان بهترین مقاومت را به نمایش بگذارند. در تمام دنیا بهترین خانه‌ها و ساختمان‌ها، اتومبیل‌ها و وسایل زندگی، وسایل ارتباط جمعی مقاومت را ستایش می‌کنند؛ چون امتیازات آنها در دست مقاومت است.

با کمی مطالعه در جهان درمی‌یابیم



**هم‌نشینی انسان با شیطان مساوی است با تخریب جسم و جان و اگر سؤال شود که چرا جسم انسان‌ها در هر عصری با انواع بیماری‌های مهلک همراه است، باید پاسخ داد، بدمصرفی انسان با اندیشه فاسد جسم و جان را به فساد می‌کشد.**

که کلمه «مقاومت» در نزد همگان به قدری آشناست که از ظهور و بروز بیش از حد آن در نزد اکثر افراد در پرده غفلت مخفی مانده یا می‌ماند. ضرب‌المثلی در میان مردم است که به هنگام خوف از شیئی، می‌گویند اسم آن شیء را نیاور. ولیکن خودش را بیاور. در کشور ما چنین حالتی پیش آمده است که از اسم «اقتصاد مقاومتی» خوف دارند؛ چون دفاع علنی از مقاومت در نزد آنان نامعلوم است.

کشور ما بلکه همه کشورهای اسلامی یا کشورهای جهان با اقتصاد مقاومتی می‌توانند ستون فقراتشان را حفظ کنند. و از آن مهم‌تر، شیطان را به زانو درآورند. اقتصاد مقاومتی ترس از مرگ و قیامت را از انسان دور نموده، بلکه وی را در انتظار قرار می‌دهد تا حاصل اقتصاد مقاومتی را دریافته و منتظر باشد تمام آن را ملاقات کند؛ زیرا اسارت شیطان به دست انسان مؤمن دیدنی است و نمایش حقیقی آن در جهان آخرت میسر است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا سیاست از دین جداست؟ اقتصاد چگونه؟ این دو پرسش برای مقدمه اقتصاد مقاومتی لازم است؛ زیرا اضافه‌شدن کلمه «اقتصاد» به «مقاومت» یعنی جدا نبودن اقتصاد از دین.

در نظام‌های اقتصادی غیراسلامی مقاومت زمانی ارزش دارد که ثروتمند و سرمایه‌دار حفظ شود، ولی در نظام اقتصاد مقاومتی کرامت انسانی باید محفوظ بماند، و این کرامت حاصل نمی‌شود مگر با دستورات و برنامه‌ها از سوی کسی که انسان را خلق نموده و به نیازهای او قبل از خودش آگاه باشد.

نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی، «اقتصاد اطاعتی» است. اقتصادی که مردم آن به زندگی حداقلی رضایت می‌دهند و کرامت انسان را در پروردن شکم و آزادی شهوت

تعریف می‌کند. آیا تفکر اقتصاد مقاومتی و همچنین اقتصاد اطاعتی می‌تواند جامعه را در برابر ثروتمندان و سرمایه‌داران به مقاومت وادارد و یا اینکه این تضاد تفکر و عمل از طرح‌های مهم شیطان در اقتصاد بشر است و در واقع اندیشه مقاومتی داشتن در زندگی روزمره و اقتصاد اطاعتی را در قلب پرورش دادن، یکی از عوامل مهم تسلیم انسان‌ها در مقابل «اقتصاد جدا از دین» و «سیاست منفک از دین» است. از آیات شریفه **قرآن** پیام‌هایی دریافت و درک می‌شود، مانند:

- اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد اطاعتی بودن توحید قابل اجرا نیست.  
- اقتصاد مقاومتی بدون یاری ملائکه فقط در حد اندیشه باقی می‌ماند.  
- اقتصاد مقاومتی باید از عقیده به خداوند حقیقی - نه خیالی - و مدیریت بدون نقص او آغاز شود، نه مدیریت مورد شک و شبهه و خداوندی که در روز ثروت اطاعت و در روز امتحان عزل شود.  
- اقتصاد مقاومتی بدون امیدواری و امید دادن به بهشت که صورت اقتصاد مادی را معنوی نموده و کمبودها و گذشت‌ها و ایثارها در جامعه را عاقلانه و حقیقی جلوه می‌دهد، بدون جاذبه خواهد ماند.  
خداوند در آیه ۳۰ سوره مبارکه فصلت می‌فرماید:

«ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون»؛ البته آنانکه گفتند پروردگار ما خداست، پس راست و ثابت ایستادند در این گفتار و متزلزل نشدند، فرود آیند بر ایشان فرشتگان که خدا گماشته برایشان، و در وقت انتقال از دنیا گویند نترسید از برزخ و قیامت و اندوهگین نشوید از حساب و کتاب خود، و داخل شوید به بهشتی که به شما وعده داده شده.

**قرآن حکیم** به کسانی که خداوند حقیقی را پروردگار خود می‌دانند - نه خداوند خیالی و خدایان ذهنی بشر را - به صفت «مقاومت» آراسته می‌کند.  
- در اقتصاد مقاومتی برای متقاضیان آن در مقابل اقتصاد اطاعتی در برخی مواقع خوف و حزنی به وجود می‌آید و این دو صفت را نمی‌توان منکر شد، مگر به اینکه پادزهر آن را به هواداران اقتصاد مقاومتی تزریق کنند که **قرآن حکیم** می‌فرماید: «ملائکه مأمور این کار هستند.»

دیدگاه **قرآن** پیرامون عملیاتی‌شدن اقتصاد مقاومتی

**قرآن** برای اجرایی‌شدن اقتصاد مقاومتی پیش‌نیازهایی را مطرح می‌کند. آیات **قرآن حکیم** درباره اقتصاد مقاومتی نکاتی چند را جهت حضور اقتصاد مقاومتی در زندگی روزمره با ظرافت‌های بی‌نظیرش بیان می‌کند. که تعدادی آورده می‌شود:

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبِّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ  
وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ  
وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ  
ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ  
حَسَنُ الْمَأْتَبِ. (سوره مبارکه آل عمران، آیه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
رتال جامع علوم انسانی

**اقتصاد مقاومتی باید از  
عقیده به خداوند حقیقی -  
نه خیالی - و مدیریت بدون  
نقص او آغاز شود، نه  
مدیریت مورد شک و شبهه  
و خداوندی که در روز ثروت  
اطاعت و در روز امتحان  
عزل شود.**

(۱۴)

«علاقه به شهوات، یعنی زنان و فرزندان و گنجینه‌های پر از طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چارپایان و مزرعه‌ها، علاقه‌ای است که به وسوسه شیطان بیش از آن مقدر که لازم است در دل مردم سر می‌کشد، با اینکه همه اینها وسیله زندگی موقت دنیاست و سرانجام نیک نزد خداست.»

از این آیه برمی‌آید که کفار معتقد بوده‌اند می‌توانند با اموال و اولاد، از خدا بی‌نیاز شوند، و این آیه شریفه بیان می‌کند که علت این پندار فریب‌خوردن آنان در برابر تمایلات و لذت‌مادی است؛ علت این است که از امور آخرت منقطع شده، و رو به دنیا آورده‌اند، از امور بسیار مهم بریده به امور مجازی پرداختند، امر بر آنان مشتبه شد و نفهمیدند که لذت‌مادی، همه وسیله و متاع زندگی موقت در دنیا و زندگی است، که خود مقدمه است برای رسیدن به آنچه نزد خداست و آن عبارت است از حسن مأب و عاقبت نیکو.

نه تنها این کفار در علاقه‌مندی به دنیا مبتکر و اولین علاقه‌مند به آن نیستند، بلکه این شیفتگی از ناحیه دیگری ناشی شده است، و این خداست که دل‌های ایشان را تسخیر کرده، و علاقه به این امور مادی را غریزه آن نموده، تا زندگی دنیایی و زمینی آنان تأمین شود؛ چون اگر غریزه حب دنیا در انسان، گذارده نشده بود، زندگی او در این کره خاکی دوام نمی‌یافت، کسی به دنبال تولیدمثل نمی‌رفت، و نسل بشر قطع می‌شد، و حال آنکه خدای سبحان مقدر کرده که بشر تا مدتی معین در زمین زندگی کند، چون در روز اول خلقت بشر به پدر بشر یعنی حضرت آدم فرمود:

وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مَسَاقَاتٌ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.  
(سوره مبارکه بقره: آیه ۳۶)  
و اگر چنین مقدر کرده که علاقه‌مند و

دوستدار دنیا باشند، برای این بوده که دنیا را وسیله زندگی آخرت خود کنند، و از متاع این زندگی چیزهایی را که به درد آن زندگیشان می‌خورد بگیرند و خلاصه مطلب اینکه تقدیر کرد تا به‌عنوان وسیله بدان بنگرند، نه به منظر استقلالی، و به عبارت دیگر زندگی دنیا را وسیله زندگی آخرت قرار دهند، نه اینکه آن را هدف پنداشته و ماورای آن را فراموش کنند، و یا راه را مقصد گرفته، در عین اینکه مشغول رفتن به سوی پروردگار خویشند، رفتن را مقصد بیندارند.

خداوند در قرآن کریم فرموده: اَنَا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَاَنَا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرًّا (سوره مبارکه کهف: آیه ۷ و ۸)

چیزی که هست این بی‌خبران غفلت‌زده این وسایل ظاهری الهی را که مقدمات و وسایلی برای به‌دست‌آوردن رضوان‌الله هستند، اموری مستقل نپنداشتند و محبوب بالذات نشمرده، خیال کردند که این امور مادی می‌توانند ایشان را از خدای سبحان بی‌نیاز سازند؛ و به همین جهت دنیایی که خلق‌شده تا نعمت و وسیله تقرب و پاداش اخروی آنان باشد، برایشان نعمت و عذاب شد.

**قرآن** می‌فرماید پیش‌نیازهای اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

- عقیده بر اینکه: اولاد و اموال، انسان را از خدا بی‌نیاز نمی‌کند.

- عقیده بر اینکه: نباید فریب تمایلات و لذایذ مادی را خورد.

- عقیده بر اینکه: باید به جهان آخرت متصل بود و از منقطع‌شدن آن غافل نشد.

- عقیده بر اینکه: همه وسایل دنیا و متاع زندگی موقتی است.

- عقیده بر اینکه: دنیا و همه امور موقتی آن مقدمه هستند نه هدف.

- عقیده بر اینکه: عاقبت مطلوب و نیکو نزد خداست.

- عقیده بر اینکه: خداوند حکیم دل‌ها را مسخر کرده تا انسان به دنیا علاقه داشته باشد.

- عقیده بر اینکه: محبت و علاقه به دنیا

و لذایذ آن در حد گزینه برای استمرار زندگی مادی است.

- عقیده بر اینکه: زندگی در کره خاکی موقتی است.

- عقیده بر اینکه: از دنیا و لذایذ آن باید اسباب و لذایذ آخرت را تهیه کند.

- عقیده بر اینکه: جای هدف و وسیله را در زندگی خود جابه‌جا نکند.

- عقیده بر اینکه: غفلت از عقاید صحیح خیالات را به حقایق بدل نمی‌کند.

اگر بخواهیم عقیده‌های شمارش‌شده را در چند بند گردهم بیاوریم، به این جمع‌بندی می‌رسیم:

- اقتصاد مقاومتی با تفکیک دنیا و آخرت جمع نمی‌شود.

- اقتصاد مقاومتی با جایگزین‌شدن وسیله به جای هدف جمع نمی‌شود.

- اقتصاد مقاومتی با رضایت و کفایت‌نمودن به لذایذ دنیا و زمان موقتی آن جمع نمی‌شود.

- اقتصاد مقاومتی با پرو بال‌دادن به گزینه و پروبال‌شکستن عقل و فطرت جمع نمی‌شود.

آیات قرآن حکیم به انسان‌ها هشدار می‌دهد که اقتصاد در جهان اصلاح‌شدنی نیست، مگر در مقابل اقتصاد آفرین تسلیم باشید. اقتصاد مقاومتی محرومیت، محدودیت و مجازات‌شدن نیست، بلکه

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.

برای پیشگیری از محرومیت‌های دائمی و مجازات‌های ابدی است.